

پشت صحنه بیانیه هسته ای سوییس - سید حسین موسویان*

ایران و قدرت های بزرگ پس از ۱۲ سال مذاکره بالاخره توانستند در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ به یک چارچوبی برای توافق نهایی بحران هسته ای ایران برسند. دوطرف اعلام کرده اند که می خواهند با سه ماه مذاکره فشرده به توافق جامع برسند. من نقطه نظراتم در مورد ابعاد فنی این تفاهم را در سطح رسانه های جهانی مطرح کرده ام و لذا بنا ندارم در این نوشته به آن بپردازم.

کد خبر: ۸۱۵۷۹۲۱۷ | تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱ - ۹:۵۱

صرفاً به این واقعیت بسنده می کنم که این چارچوب مطلوب و ایده آل هیچ یک از طرفین نبوده و اگر توافق جامع هم حاصل شود، آن هم ایده آل هیچ یک از طرفین نخواهد بود.

واقعیت این است که ایران و ۶ قدرت جهانی در تفاهم ۱۳ فروردین ۹۴ در لوزان سوئیس، امتیازات متقابل بزرگی به هم دادند و امتیازات متقابل بزرگی نیز از هم گرفتند. در سخنرانی اخیری که در ساختمان کنگره امریکا داشتیم، پنج امتیاز بزرگی که ایران گرفته، پنج امتیاز بزرگی که قدرت های بزرگ جهانی گرفته و پنج امتیاز بزرگی که جامعه جهانی گرفته را برشمردم. به یک معنی هر دو طرف مذاکره برنده و به یک معنی هر دو بازنده بوده اند.

در کلیات توافق شده ایران دو امتیاز بزرگ گرفت. اول برداشته شدن تحریم ها و دوم تأمین حقوق ایران در بهره مندی از تکنولوژی صلح آمیز ایران از جمله غنی سازی. قدرت های جهانی هم دو امتیاز بزرگ گرفتند. اول: محکم ترین راستی آزمایشی های تاریخ هسته ای جهان و دوم محدودیت های فوق العاده در بخش غنی سازی و آب سنگین ایران. ضمناً به این هم اشاره کنم این اولین بار در تاریخ هسته ای جهان است که قدرت های جهانی رسماً «اصل غنی سازی» را در یک کشور پذیرفته اند. فلذا توافق جامع هم در صورت حصول، همین گونه خواهد بود در غیر این صورت توافق نهایی ممکن نخواهد بود.

همه بحث های فعلی در تهران و واشنگتن و در سطح جامعه جهانی عمدتاً در مورد ظرفیت غنی سازی، کم و کیف برداشته شدن تحریم ها، آب سنگین اراک، سایت های غنی سازی نطنز و فردو، تحقیقات و توسعه، ابعاد بازرسی ها و ذخیره غنی سازی ایران است. اما از نظر من، اصل دعوای واقعی پشت پرده در امریکا و اسرائیل بر سر هیچ یک از اینها نیست و این مباحث ظاهری قضیه است.

لازم به توضیح نیست که اساس استراتژی امریکا بعد از انقلاب «تغییر رژیم» در ایران بوده است. تمام موضوعات اساسی مورد اختلاف ۳۵ سال گذشته مثل حقوق بشر و تروریسم و سلاح های کشتار جمعی هم صرفاً یک بهانه برای ایجاد فشار و تحریم به قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده است. در این پنج سالی که در امریکا بوده ام، در صدها مقاله و سخنرانی و مصاحبه، به امریکایی ها یادآوری کرده ام که واشنگتن در ۶۰ سال گذشته از رژیم های دیکتاتور و فاسد و غیر دموکرات در خاورمیانه حمایت کرده است، متحدین آموزش هم ذره ای از معیارهای دموکراسی و حقوق بشر غرب را ندارند و پشتیبان و حامی تروریسم کور تکفیری ها هم متحدین خود امریکا است. مسلم بدانید این واقعیت ها برای کاخ سفید و جهان غرب کاملاً واضح است. زمانی که بحران هسته ای در سال ۱۳۸۲ کلید خورد، دغدغه اصلی بسیاری از دلسوزان کشور از جمله این بنده فقیر که عضوی از مجموعه بودم، این بود که اجازه ندهیم امریکا از این موضوع به عنوان ابزاری برای اهداف و استراتژی کلیدی خود در مورد ایران استفاده کند. نگرانی اصلی هم این بود که پرونده به شورای امنیت نرود، در فصل هفت منشور قرار نگیرد، ایران موضوع تهدید صلح و امنیت بین الملل نشود و تحریم های ظالمانه اعمال نشود. گذشت آنچه گذشت و متأسفانه همه این موارد اتفاق افتاد و برای اولین بار هم اجماع جهانی در اعمال ظالمانه ترین تحریم ها به وجود آمد. اما آیا هدف امریکا از این تلاش عظیم جهانی فقط برنامه هسته ای ایران بود؟ خیر هدف استفاده ابزاری از مسأله هسته ای برای ساماندهی حداکثر ظرفیت قدرت های جهانی و مکانیزم های بین المللی جهت

تحقق استراتژی دیرینه «تغییر رژیم» بود.

اما امروز دعوی اصلی در واشنگتن بر سر چیست؟ آیا اصل دعوا به خاطر این است که تحریم ها فوراً برداشته شود یا بتدریج؟ آیا غنی سازی محدود باشد یا نه؟ آیا ایران ۵ سال دیگر چرخه صنعتی سوخت داشته باشد یا ۱۵-۱۰ سال دیگر؟ خیر! اینها همه مطرح هست اما اصل دعوی پشت پرده در واشنگتن بر سر ادامه یا تغییر سیاست «تغییر رژیم» است.

نتانیاها و تعداد زیادی در کنگره می گویند که «توافق هسته ای و برداشته شدن تحریم ها» و گشودن راه برای «همکاری های بعدی با ایران و آمریکا» بر سر سایر مسائلی که اتفاقاً منافع مشترک هم داریم، مثل مبارزه با داعش و القاعده، در حقیقت به معنی «پایان استراتژی تغییر رژیم» و شروع فصل جدید «تعامل با ایران» است. چنین استراتژی موجب به رسمیت شناختن عملی «جمهوری اسلامی» و «جایگاه منطقه ای» ایران است. دوره آزمون سیاست آمریکا برای «تغییر رژیم» در ایران ۳۵ سال طول کشیده است. دوره اعتمادسازی در تفاهم سوئیس هم ۱۰ تا ۲۵ ساله است. اصرار آمریکایی ها برای گنجاندن این دوره، ظاهراً برای اعتمادسازی در مورد مسأله هسته ای است اما باطناً دوره آزمون سیاست «تعامل با ایران» است.

مخالفین در واشنگتن اصرار دارند که این استراتژی موجب تضعیف یا حذف متحدین آمریکا در منطقه مثل اسرائیل و اعراب خواهد شد. این ترجمه واقعی حرف نتانیاهاست که اعلام کرد توافق سوئیس موجودیت اسرائیل را به خطر می اندازد. در شهریور ۱۳۹۲، اواما به عنوان اولین رئیس جمهوری آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد که «تغییر رژیم در ایران» سیاست دولت او نیست. او فتوای هسته ای رهبر معظم انقلاب علیه سلاح هسته ای را به رسمیت شناخت. اواما بعد از تفاهم لوزان سوئیس در فروردین ۹۴ نیز اعلام کرد که هم «سیاست تحریم» شکست خورده و هم ادامه سیاست «فشار و انزوا»ی ایران عاقلانه نیست. این حرف اواما هم نیاز به ترجمه ندارد.

من در این چند سال فرصت یافتیم با صدها نفر از اساتید، ارباب جراید، مراکز فکری و سیاسیون سابق آمریکا و اروپا صحبت کنم تا به آنها بفهمانم که سیاست تغییر رژیم و فشار و تحریم ایران غلط است و باید با ایران بزرگ وارد همکاری شوید. این گفت وگوها شناخت من را هم از آمریکا بسیار بهبود بخشید. واقعیت پر تنش ترین نزاع پنهان و آشکار چند دهه اخیر در واشنگتن، به خاطر موضوع هسته ای نیست. چالشی که سهمگین ترین نزاع تاریخ سیاسی دولت های آمریکا با اسرائیل و اعراب متخاصم ایران را موجب شده است، بر سر «تغییر استراتژی تغییر رژیم در ایران» است. نزاعی که موجب تنفر بی سابقه جمهوریخواهان تندرو، صهیونیست های افراطی و برخی از کشورهای عربی کینه توز از اواما شده است. تنفیری که جناح بازهای آمریکا و اسرائیل و اعراب معاند نسبت به اواما به خاطر تعامل با ایران و تفاهم هسته ای سوئیس پیدا کرده اند، بسیار عمیق است.

سیاست «تعامل اواما با ایران» اگر به توافق نهایی منجر شود، به معنی فصل جدید در تاریخ سیاسی ایران و معادلات سیاسی خاورمیانه خواهد بود. لذا مطمئن هستیم که اواما به سادگی از «گردنه تغییر استراتژی آمریکا در مورد ایران» عبور نخواهد کرد و زندگی سیاسی همه کسانی که در دو طرف ماجرا در مسیر تحقق توافق هسته ای حرکت کرده و می کنند نیز بدون ریسک نخواهد بود. معتقدم ما ایرانی ها نیز در مرحله عبور از سخت ترین گردنه سیاسی تاریخ بعد از انقلاب هستیم. این قرائت من از احتمال «توافق هسته ای» ایران و غرب است. خداوند متعال یار ملت مظلوم و ضامن خون شهدای انقلاب ایران بوده و ان شاءالله خواهد بود.

* عضو پیشین تیم مذاکره هسته ای

انتهای پیام /*